

تاریخ آزمون: ۹۷/۱۰/۰۳ مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه نیاز به پاسخنامه دارد ☐ ندارد ☒ شماره صندلی:	باسمه تعالی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ۴ دبیرستان غیردولتی هدی (دوره دوم) آزمون نوبت اول سال تحصیلی ۹۷-۹۸ تعداد صفحات: ۴ تعداد سئوال: ۶	نام و نام خانوادگی: سئوالات امتحان درس: نگارش (۲) پایه: یازدهم رشته: تجربی نام دبیر: خانم مقدّمی
تاریخ تصحیح: ۹۷/ / نمره: با عدد () نمره با حروف: () امضای دبیر:		
بارم	شرح سوالات	ردیف
	دانش‌آموزان عزیز توجه داشته باشید که در پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، نداشتن غلط املائی و به کارگیری نشانه‌های نگارشی را رعایت فرمایید. (نداشتن غلط املائی: ۲ نمره، رعایت نشانه‌های نگارشی: ۱ نمره)	
	الف بازشناسی (۲ نمره)	
۱	۱. متن زیر را بخوانید و سپس عنوان، بندهای مقدّمه، بدنه و جمع‌بندی را در سمت راست متن مشخص کنید. بزرگ فکر کنیم «همواره باید این نکته مهم را در نظر داشت که پیشرفت هر جامعه‌ای به میزان باور و تلاش‌های قشر جوان آن جامعه بستگی دارد. گاهی نگاه افراد به خود و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند نگاه خوش‌بینانه‌ای نیست و در این صورت ممکن است که رسیدن به آرزوها را در جایی دیگر ممکن بدانند. اسفبارتر این است که کودک توانمندی، سفره غذای خانه خویش بگذارد و به گدایی بر در خانه همسایگان بپردازد. قشر جوان، بهترین دارایی خود را سرمایه‌گذاری کرده باشد و هنوز چشمش به دست و زبان بیگانه باشد تا او بگوید چگونه بیندیش، به کدام سمت برو و... این را می‌دانی و بارها شنیده‌ای که برای یک صعود دشوار - اورست یا دیواره غلّم کوه - گروهی بزرگ حرکت می‌کند تا گروهی کوچک برسد. گروه بزرگ، تمام نیروی خود را به گروه کوچک می‌دهد، خود را وامی‌سپارد و وقف می‌کند تا گروه کوچک، لحظه رسیدن را احساس کند و این احساس را منصفانه تقسیم کند. در واقع به آسانی ممکن است که ما جای هریک از افراد گروه کوچک را با هریک از افراد گروه بزرگ عوض کنیم، بی‌آنکه از بخت صعود، ذره‌ای بکاهیم؛ چراکه این نیروی گروه بزرگ است که گروه کوچک را به پیش می‌راند و به احساس رسیدن می‌رساند. حال، عزیز من! تو آن گروه بزرگی، و دیگران آن گروه بسیار کوچک، گروه بزرگ من درست نیست که با دلشوره دائمی دیگران را از استوار رفتن بازداری یا در این مسیر حرکت سخت گرفتار تردیدشان کنی».	

۱	۲. نوشته زیر را بخوانید و ویژگی‌های ظاهری و رفتاری شخصیت آن را درون متن مشخص کنید. «بازار برده فروشی شلوغ بود. «لگری» با عجله قدم برمی‌داشت. او مرد پهن و کوتاه قد و خپله‌ای بود که پیرهنی ریش ریش روی سینه‌اش دهن‌کجی می‌کرد و شلوار کهنه و کثیفی به پا داشت. از میان جمعیت راهی باز کرد و با آرنج زدن به این و آن، به جمع برده‌ها نزدیک شد و به بررسی پرداخت. «لگری» گرچه هیکل درشتی نداشت، معلوم بود زور پهلوانی دارد. سرش مانند گلوله گرد بود و چشمهای درشتش، به رنگ سبز خاکستری زیر انبوه ابروهای زرد رنگ و موهای سرخ و سیخ او پنهان شده بودند. او خیلی سریع برده‌های جمع را معاینه و یکی را انتخاب کرد و با خود به مزرعه برد. «لگری» با خشونت با برده‌ها رفتار می‌کرد و هرگاه یکی از برده‌ها در مزرعه پنبه کم‌کاری می‌کرد با ضربه شلاق به جان‌شان می‌افتاد. «لگری» از همدری‌های برده‌ها نسبت به یکدیگر احساس حسادت می‌کرد و عقیده داشت که نخستین و دومین و سومین شرط لازم برای رسیدن به اهداف خشونت و سنگ‌دلی نسبت به برده‌هاست.»	
	سازهای نوشتاری (۴ نمره)	ب
۲	۳. حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید. «آورده‌اند که زاغی در کوه بر بالای درختی خانه داشت، و در آن حوالی سوراخ ماری بود، هرگاه که زاغ بچه بیرون آوردی مار بخوردی. چون از حد بگذشت و زاغ درماند شکایت آن بر شغال که دوست وی بود بکرد و گفت: می‌اندیشم که خود را از بلای این ظالم باز رهانم. شغال پرسید که: به چه طریق قدم در این کار خواهی نهاد؟ گفت: می‌خواهم که چون مار در خواب شود ناگاه چشم‌های او را برکنم، تا در مستقبل، نور دیده و میوه دل من از قصد (حمله) او ایمن گردد.»	

۴. مثل‌های زیر را بخوانید، سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

* بار کج به منزل نمی‌رسد.

* به زبان خوش، مار از سوراخ بیرون می‌آید.

* از کوزه همان برون تراود که در اوست.

* از این گوش می‌گیرد و از آن گوش درمی‌کند.

پ

تولید متن (۱۱ نمره) (آغاز زیبا: ۱ نمره، پرورش موضوع: ۹ نمره، پایان زیبا: ۱ نمره)

۶. از میان موضوعات زیر یکی را انتخاب کنید و درباره آن متنی زیبا بنویسید.

* قهرمان زندگی خود را توصیف کنید.

* اگر من ثروتمندترین آدم دنیا بودم...

* یک روز زمستانی درون کلبه‌ای در جنگل.

* از زبان نگهبان بیمارستان.

* مهم‌ترین تصمیم زندگیتان چه بوده است؟

* زیباترین خوابی که دیدید.

موضوع انتخابی:

متن:

«الهی، شکرت که هر کتابی می‌خوانم، کتاب وجود خودم را می‌خوانم»